

اخباری کوتاه در حوزه انتخابات

باهر:



**از اصلاح طلبان و
وزرای دولت دهم
در کابینه ام استفاده
می‌کنم**

ایسنا-محمد رضا باهر در خصوص برنامه های خود در صورت منتخب شدن در انتخابات گفت: حتما از مدیران و مسوولان فعلی در دولت استفاده می‌کنم. در مورد اصلاح طلبان نیز باید این بررسی صورت گیرد که کسی که نزدیک به کانون فتنه است جایگاهی در دولت ندارد. انتصاب‌های افراد به جریان‌های راست، چپ، اصلاح طلب و محافظه کار و... مانعی برای آنها برای حضور در دولت بنده نمی‌شود، با این توضیح که با افرادی که در کانون فتنه حضور داشتند، مشکل داریم.

**سعیدی کیا
در مشهد:**



تکنوکرات نیستم

مشرق- سعیدی کیا نامزد احتمالی انتخابات ریاست جمهوری یازدهم گفت: تکنوکرات نیستم و همواره با روحیه جهادی پای کار آمده و معتقد به باورها و آرمان‌های نظام هستم

محسن رضایی:



**اصولگرایی من
انقلابی و مردمی است**

تابناک- محسن رضایی: بعضی ها با امام بودند و با رهبر انقلاب نیستند. بعضی ها الان با آقا هستند، ولی با امام یا نبودند و یا فاصله شان زیاد بود. اما من این مسیر ثابت ولایت را داشتم. بنابراین در اینجا اندیشه سیاسی من می‌تواند کاملا تعریف خود را پیدا کند که چرا در بعضی از قالب های جناحی تعریف نمی‌شوم. اصولگرایی من انقلابی و مردمی است و با جناح های سیاسی تفاوت دارد

**قالیباف:
اقتصاد کشور در
کمتر از ۲ سال
قابل ساماندهی
است**



عصر ایران- با اطمینان می‌گویم در همین شرایط تحریم و سختی های کشور، نا به سامانی های اقتصادی در کمتر از دو سال قابل ساماندهی است

وی گفت: شعار دهه پیشرفت و عدالت که از سوی مقام معظم رهبری نام گذاری شده نشانگر این امر است که پیشرفت مقدم بر عدالت است.

دکتر باقری لنکرانی:

**جبهه پایداری با دست
پر می‌آید**



رجانیوز- کامران باقری لنکرانی در گفت و گو با رجانیوز به نکات زیر اشاره کرد:

- آفت دولت تبدیل گفتمان انقلاب به گفتمانی از جنس دوران سازندگی و است/ تفاوت چندانی بین جریان های سازندگی و اصلاحات و بعضی از مسوولان امروز نمی‌توان دید
- جنس انتقاد ما به دولت دقیقا آنجایی است که مثل دولت اصلاحات عمل کرده است
- هاشمی هم در سال ۶۸ به عنوان یار نزدیک امام رأی آورد

- برخی در انتخابات سرمایه‌گذاری های چندگانه می‌کنند
- قربان فکری و راهبردی در هر وحدتی ضروری است
- برای جبهه پایداری مهم تر از مصداق، برنامه اولویت دارد
- جبهه پایداری در نظر دارد که از تمام ظرفیت های جریان حزب ... و مومنین برای انتخاب کاندیدا استفاده شود.

مصطفی کواکبیان:

**تحریم ها را در طول
۶ ماه لغو می‌کنم**



خبرگزاری دانشجویان- مصطفی کواکبیان در همایش «شعور انقلابی و حماسه سیاسی» در جمع اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان کشور بیان داشت: کاندیدای دور یازدهم انتخابات ریاست جمهوری در خصوص برنامه های خود در صورت انتخاب شدن گفت: از جمله برنامه هایی که دنبال خواهیم کرد این است که طی شش ماه تحریم ها را لغو خواهیم کرد همچنین تمام تلاش خود را جهت جلوگیری از افزایش نقدینگی در جامعه و کنترل یارانه ها خواهیم کرد زیرا افزایش نقدینگی سبب افزایش تورم می‌شود البته پیشرفت اقتصادی زمان بر است اما باید شروع شود.

وی در ادامه اظهار داشت: مشکل اصلی ما در روابط خارجی خصومت‌ورزی آمریکا با ایران است تنش زدایی یک نظریه و استکبارستیز نظریه دیگری است چنانچه خواهیم این خصومت‌ورزی کاهش یابد باید با بهره‌گیری از فن و کار کارشناسی این دو را با یکدیگر همراه کنیم.

آیت الله مصباح یزدی:

**امروز رقابت در میان
اصولگرایان است**



فارس- آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله تعالی): امروز اصلاح طلبان چنین وضعیتی ندارند و شانس برنده شدن با آنها نیست آنها در موقعیتی هستند که چه کسی را انتخاب کنند که رد صلاحیت نشود، سران آنها که قطعاً رد صلاحیت می‌شوند از این رو به دنبال فردی هستند که سابقه نسبتاً خوبی داشته و رأی بیاورد اما بعید است که مردم به آنها اقبال داشته باشند. آیت الله مصباح یزدی خاطرنشان کرد: اما امروز رقابت در میان اصولگرایان است چون اصلاح طلبان بعد از فتنه ۸۸ دیگر در میان مردم جایی ندارند.

آیت الله علم الهدی:

**ائتلاف که هیچ، ما بر سر
به صحنه آمدن ساکتین
فتنه بحث داریم**



صابرنیوز- آیت الله علم الهدی در خصوص تشکیل جبهه پایداری اظهار داشت: جبهه پایداری امروز تشکیلی است که آیت الله مصباح در راس آن هستند و قبلا هم مرحوم آیت الله خوشوقت در رأس بودند مگر می‌شود کسی نگاه مثبت نسبت به این جبهه نداشته باشد.

وی گفت: ساکتین فتنه مانند کسانی هستند که روز عاشورا امام حسین (ع) را تنها گذاشتند.

نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی در ادامه فرمودند: ساکتین فتنه مانند کسانی هستند در روز عاشورا که امام حسین (ع) را شهید کردند، آنها فقط نظاره کردند و بعد هم رفتند، حالا اگر مقابل امام حسین (ع) نجنبیدند اما امام حسین (ع) را همراهی نکردند. ائتلاف که هیچ، ما بر سر به صحنه آمدن ساکتین فتنه بحث داریم.

**متکی نامزد جبهه
پیروان خط امام و
رهبری:**



**پیشرفت مقدم بر
عدالت است**

مهر- منوچهر متکی، در همایش اتحادیه جامعه دانشجویان سراسر کشور در مشهد اظهار داشت: من برای معامله و سهم خواهی نیامده ام و به پشتوانه زندگی در نظام اسلامی این حرف ها را می‌زنم.

وی عنوان کرد: آنچه در مسیر ائتلاف ۳ و ۵ نفره اهمیت دارد این است که در نهایت دو نفر از کسانی که در بین مردم مقبولیت بیشتری داشته باشند انتخاب می‌شوند.

بِت بزرگ

سید احمد علوی (مکانیک ۸۸)

عرصه سیاست نهاد و اکنون برای نمایش اقتدار و کارآمدی دولت بقیه... چنین کسان را با چنین کارنامه های سیاه گرد خود جمع نموده است. آن روزها احمدی نژاد مسحور هیچ کس حتی جناب بهار نبود. محبت گوساله (۱) وقتی در دلش افتاد که یار پارکاب پیدا کرد که با او تا خود مولا یک نفس و بی وقفه بتازد. عجیب نیست که چنین شخصی هارون را رها کند و گوساله پرست شود؛ هرکس که بتواند از حنجره اش ادای صدای مولا درآورد محبوب دل اوست. اگر داستان گوساله پرستی مردمی که جانشین موسیعلی نبینا و آله علیه و علیهم السلام را رها کردند برایت عجیب بود دوباره در آئینه تکرار تاریخ قصه مکرر بت پرستی را بنگر بلکه دیگر باره بهتر به بت های گرد خود بنگری و همین طور بت بزرگ ...

بت بزرگ ات را نشناسی بهتر است چه این که اگر بشناسی شیرینی ایمانت به تلخی خواهد گرایید. به نیت موعظه قلم برداشتم که بگویم بت پرستی خود معلول نفس پرستی و آن چه اصالت دارد اطاعت خداست و گرنه حمد و تسبیح و عبادت نیز اگر برای هوی باشد عین طغیان و سرکشی است. اما برای آئینه گی این روزهای سیاست می نویسم. می نویسم که چه خوب شد از دوران سیاه جهالت عبور کردیم. دورانی که رئیس جمهور اگرچه لباس پیغمبر بر تن می کرد اما کاخ سبز نشین ها را به کوخ نشین های پابرهنه رجحان می داد و کاندیدا های ریاست جمهوری تصور می کردند با نفی اسلام ناب و حکومت امام زمان باید پله های توسعه را در کشور دو تا یکی بالا برونند. از عبور از این ظلمات جهالت مسروریم اما ماندن در این مرحله را نیز جایز نمی دانیم. باید از بت پرستی کارآمدی دولت من و آبروی دولت امام زمان نیز عبور کنیم. امروز باید کسانی کاندیدای ریاست جمهوری شوند که با علم به وظیفه خطیر ریاست جمهوری ام القرای جهان اسلام به راحتی به این عرصه ورود نکنند و چون وارد شدند امام زمان را سپر دولت عاجل خود نکنند بلکه خود و نه حتی دولت که نفس خودشان را سپر امامشان گردانند. کسانی که برای کشیدن این بار سنگین له می زنند یا در کفش خود ریگی نهاده اند که آرامش از ایشان سلب نموده و یا از مالیخولیای قدرت و شهرت به جنون گرفتار آمده اند که آرام ندارند. ورود به این دوره از حیات نورانی انقلاب اسلامی ورود با برکتی بود؛ دوره ای که با نام و یاد امام پرده های شرک آشکار دولت و دولت مردان دریده شد و امروز نیازمند ورود به دوره دیگری از حیات انقلابیم. نیازمند دولتی با توحید بالاتر و خالص تریم و رئیس

جمهوری که بیاید برای شکستن بت بزرگ.

بت بزرگ را تنها ننوشتیم برای این روزهای سیاست؛ نوشتیم برای این روزهای خودمان. نوشتیم که یادمان باشد بت بزرگ هر کس از جنس خود اوست بت بزرگ یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری با من و تو فرق می کند. شاید بت بزرگ من همین نوشته ام باشد و بت بزرگ تو همین درس خواندن است.

پی نوشت:

۱- نگارنده به شدت مقید به رعایت ادب و احترام طرفینی می باشد اما چون شخصی اسلام عزیز را به اسب قیاس نماید، قیاس وی به گوساله سامری چندان دور از ذهن نمی نماید.

دولت اسلامی آبروی اسلام است، آبروی امام زمان است. از نگاه روشن امام پیامبرگونه امتی روشن ضمیر می نگرم که در این همه که می گفتم «تو» پررنگ تر بودی تا امام زمانت. همان تویی که پیش تر امامت فرموده بود: «این قدر نگویند من. این من شیطان است». چون من در این وادی اصالت یافت و محور شد تصور می کنی که تنها تو در جایگاه علمدار نهضت آخرین حجت الهی ایستاده ای و احساس وظیفه می کنی تا این علم را بر دوش گرفته به سر منزل غایی برسانی.

بت بزرگی که احمدی نژاد باید می شکست؛ گرانی نبود، عدالت نبود، فساد اقتصادی و اداری نبود حتی مشایبی نبود.

آن روزها احمدی نژاد مسحور هیچ کس حتی جناب بهار نبود. محبت گوساله وقتی در دلش افتاد که یار پارکاب پیدا کرد که با او تا خود مولا یک نفس و بی وقفه بتازد. عجیب نیست که چنین شخصی هارون را رها کند و گوساله پرست شود

که چه خوب شد از دوران سیاه جهالت عبور کردیم. دورانی که رئیس جمهور اگرچه لباس پیغمبر بر تن می کرد اما کاخ سبز نشین ها را به کوخ نشین های پابرهنه رجحان می داد



این که برخی جهت ورود به انتخابات اعلام می کنند که احساس خطر کردیم و دانستیم باید بیاییم تا منجی این کشتی طوفان زده (به اعتبار عقل کوتاه بین خودشان) باشیم برای من قابل فهم است. برخی واقعا احساس وظیفه می کنند که باید به انتخابات ورود کنند و باورشان این است که علمداری این بیرق را جز دست لایق ایشان محرمی نیست. تعجبی نیست اگر اینان زین پس برای جمع آوری رأی برای امام زمان! متوسل به هر وسیله ای شوند و سعی در وحدت تمام صندوق های رأی برای مهدی امت کنند. شگفت نیست اگر کسی که دور اول ریاست جمهوری اندیشه ای جز اطاعت از ولی فقیه نداشت اکنون برای خاطر امام زمان یازده روز در برابر جانشین او قد برافراشد و خانه نشین شود. انگشت تحیر از کسی نباید به دندان گزید که برای مبارزه با فساد پا به

«احمدی بت شکن بت بزرگ بشکن». این از جمله شعارهایی بود که مردم در حمایت از احمدی نژاد و شعارهای عدالت خواهانه وی مکرر و حتی تا سالیانی چند پس از انتخابات ۸۴ از حنجره مطالبه گری خود فریاد می کردند. از آن جا که این مقال با اعتقاد راسخ به فهم و شعور ملتی نگاشته می شود که بهترین ملت ها هستند؛ هم چون اصحاب عاشورایی سید الشهدا علیه السلام که بهترین یاوران و همراهان بودند. در این گزیده در حد فهم و شعور نگارنده به مذاقه پیرامون این شعار پرداخته خواهد شد: بت بزرگی که احمدی نژاد باید می شکست. بت بزرگ ...

بت بزرگی که احمدی نژاد باید می شکست؛ گرانی نبود، عدالت نبود، فساد اقتصادی و اداری نبود حتی مشایبی نبود. هرچند این شعار برای بسیاری از این موارد، در مقاطع مختلف، توسط مردم به کار برده شد و هرچند مقصود این شعار همه این ها بود اما همه مقصد این شعار هیچ کدام از این ها نبود. همه مقصد این شعار بتی بود که اگر احمدی نژاد آن را نمی شکست پا در وادی توحید نمی توانست گذارد. بت بزرگی که اگر می شکست مقدمه ای می شد برای شکستن باقی بت ها و اگر نه شکستن باقی بت ها به تمامی نه ممکن بود و نه مفید! این بت بزرگ در بتخانه بابل نبود که نشکستنش مفید بت شکن باشد؛ بتی بود در نفس اماره بت شکن آن. بتی که در ظاهر، تقدیسش اطاعت اله بود اما باطن آن جز پرستش هوی نبود. بت بزرگ ...

بت بزرگ آقای رئیس جمهور دولت حضرت بقیه... ارواحنا لتراب مقدمه الفداء بود. آری، تعجب نکنید؛ شگفتی ندارد اگر این آخرین آزمون های پیش از ظهور تا این مرحله پیچیده و دشوار باشند. نوشتن از این که دولت حضرت حجت برای مریدانش بت شود آن قدر سنگین هست که قلم از نگارش این سطور بر خویش بلرزد اما گریزی از آن نیست. این سخت ترین امتحانات پیش از ظهور را نیز باید پشت سر گذاشت تا پرده ی غیبت از چشمان نالایق ما فرو افتد. آخرین حجت قادر لایزال اصحابی می خواهد پولاد دل «جال کان قلوبهم زبر الحديد» که اگر به کوهها روی آورند، آنها را از جای برکنند. «لو حَمَلُوا عَلَی الْجِبَالِ لَأَزَلُوها» آنان در جنگها امام خویش را در میان گرفته جان خود را پناه او می سازند. و هر چه را که امامشان اشاره نماید با جان و دل انجام می دهند. «و یَحْفُونَ بِه یَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِی الْحُرُوبِ وَ یَكْفُونَهُ مَا یُرِیدُ فِیهِمْ». شرح این حدیث گران سنگ صادق آل محمدصلی الله علیه و آله خود مجالی

دیگر می خواهد تا بنگری که چگونه یاوران آن حجت موعود جان های خویش را سپر امامشان می کنند و جامه ی اجرا بر هر آنچه او اراده نماید می پوشند. بگذریم و بازگردیم به بحث نخستین: بت بزرگ ...

بت بزرگ آقای رئیس جمهور دولت حضرت بقیه... بود. چون یقین کنی که دولت تو، دولت امام زمان است و تو آبروی آقا و تو پرچم دار نهضت مهدوی و تو شعیب صالح امت و تو و تو و تو... با نگاه روشن فکری شبه عوامانه به موضوع نگاه نکرده ام که بخواهم نفی کنم که این حکومت بعثت دوباره انسان است و حکومت پیامبران و صالحان و بازگشت مردمان به فطرت الهی خویش. با کوه بینی کله طاس مآبانه تحلیل نمی کنم تا قدم نفی بدیهیات و مسلماتی باشد هم چون این که در نظام اسلامی آبروی

سینمای آوینی

حسن اکبری (مکانیک ۹۰)

واقعیت رها ساخته و خود بیش از هر چیزی به عامل جذب مخاطب گریزان از واقعیت تبدیل شده است. کار تا به آنجا پیش رفته که حتی این المانها، سینمای جشنواره ای را هم به تسخیر خود درآورده و مخاطبین به اصطلاح خاص هم که زمانی می توانستند شاهد فیلمهای زیبای هنری و ویژه مخصوص خود باشند اکنون به سختی می توانند یک فیلم باب طبع خود بدون این عناصر خفیف پیدا کنند

۳- سینما و تنزل جایگاه مخاطب

آوینی به شدت از رویکردی که سینما بخصوص از نوع هالیوودی اش نسبت به مخاطب روا داشته نگران است. او معتقد است سینما به عمد طی سالها تلاش خود ذائقه مخاطب را تغییر داده بطوریکه دیگر این مخاطب حتی پذیرش هیچ تغییری را ندارد و نمی پذیرد که شاهد هیچ رویکرد جدیدی در فیلم باشد. این نکته برای او که به شدت به محتوای فیلم و جایگاه مخاطب می اندیشید دردناک بود. او می گوید: ذائقه‌ی تماشاگران سینما را نیز در طول این صد سال به مزه‌هایی پرفریب عادت داده‌اند و تماشاگر از همان آغاز به قصد تفنن و با نیت استغراق در لذت‌های کودکانه و «سانتیمانتال» به سینما می‌آید، با عینکی که هالیوود بر چشم او نهاده است. و اگر با پاکتی تخمه ژاپونی نباید، حتما می‌آید تا برای ساعتی چند خود را و مشکلات واقعی خود را در یک «خواب و خیال تجسم یافته» فراموش کند. مخاطب امروزی سینما عادت کرده است تا از طریق نشانه‌هایی شناخته شده، خود را تسلیم لذایذ سطحی و زودگذری کند که سینما در اختیار او می‌گذارد و اگر خدای ناکرده آن نشانه‌های متعارف را در فیلمی پیدا نکند، قهر خواهد کرد و به فیلم دیگری خواهد رفت که در آن، دامی لذت‌بخش و مسحورکننده برای غفلت او پهن شده

۴- سینمای ایران نیازمند روشهای نو

آوینی به خوبی می دانست سینما هنری است سرتاسر غربی، اما نمی توانست این را بپذیرد که این هنر امروز بطور مطلق در ید قدرت غرب باشد و دیگر هنر مندان، برای استفاده از این هنر مجبور باشند به زبان و سبک و شیوه مبدا تکلم و تحرک نمایند. او می دانست سینما قابلیت این را دارد که با استانداردهای جدید تعریف شود متناسب با نیاز هر ملت و متناسب با زبان هنر همان ملت، از اینرو معتقد بود: آینده‌ی انقلاب اسلامی در همه‌ی وجوه توسط کسانی محقق می‌شود که اسلام را بشناسند و مهم‌تر از شناختن، با جان و دل بدان پیوسته باشند. شهید آوینی سینمای ملی را چیزی جدا از فرهنگ نمی دانستند و برخورداری از هویت ملی را همپایه سینمای ملی تلقی می کردند.

به همین دلیل بود که برخلاف دیدگاه‌های رادیکالی بعضی از انقلابیون شهید آوینی بین سینما و انقلاب اسلامی تعارضی قائل نبود و به همین دلیل، هراسی از صنعت سینما و رسانه های ارتباطی دیگری مثل ویدئو و ماهواره نداشت. او معتقد بود ما باید خانه خود را در دامنه آتشفشان بسازیم. او تلاش می کرد تا با تسخیر جوهر تمدن جدید به گشودن افق های تازه ای کمک کند و روح ایرانی - اسلامی در آن بدمد. پس اجازه دهید که امید ما برای آینده‌ی سینمای ایران جز به هنرمندان مؤمن خط‌شکن نباشد که نباشد. امام بت‌شکن بود و بسیجی‌ها به تبعیت از ایشان، خط‌شکن؛ و سینمای متعهد ما نیز باید خاک‌ریزهای تثبیت شده‌ی سینمای غرب را بشکنند و راهی تازه باز کند. راه ما از آنجا که غربی‌ها رفته‌اند و می‌روند نمی‌گذرد و باید متوقع بود که اگر افق‌هایمان با یکدیگر متفاوت است، راه‌هایمان نیز متفاوت باشد؛ روش‌هایمان نیز.

۲- جذابیت لازمه سینما اما نه هر جذابیتی آوینی تاکید داشت که باید فیلم سینمایی برای مخاطب و دیده شدن ساخته شود و تولید فیلم تنها با هدف جشنواره ها نمی تواند با ذات سینما هم خوانی داشته باشد او معتقد بود: استغراق هدفی است که جاذبه‌های فیلم بدان منتهی می‌گردند؛ هدفی است که اگر محقق نشود، فیلم را دیگر نمیتوان فیلم خواند. فیلم فاقد جاذبه فیلم نیست. آیا عکس این قضیه نیز مطلقاً صادق است یا خیر؟ فیلم دارای جاذبه فیلم هست، اما معلوم نیست که فیلم خوبی باشد اما از طرفی دیگر تاکید داشت: امروزه در سینما سوءاستفاده از گرایش‌های غریزی وجود حیوانی بشر امری است مجاز و بسیار رایج. باعنایت به آنچه امروز در جهان می‌گذرد، سینما و



تلویزیون ایران الحق که عقیف‌ترین و نجیب‌ترین هستند، اما بسیاری کسانی که برای عفت و نجابت در سینما شأنی قائل نیستند؛ در اینجا با توجه به نحوه‌ی تفکر، تعاریف مختلفی برای جذابیت پیدا می‌شود. پس اگرچه هنوز به این سوال که «جذابیت سینما برای بشر در کجاست؟» جواب نگفته‌ایم. اما در اینجا سوالات دیگری نیز عنوان میشود که طرح آنها در حقیقت بخشی از جواب است: آیا جذابیت در سینما، هرچه که باشد، مقبول و مشهور است؟ تا کجا میتوان از جذابیت‌های سینمایی سود برد؟ و آیا تماشاگر باید خود را به هر جاذبه‌ای در فیلم تسلیم کند؟ خودآگاهی تماشاگر در سینما چگونه باید نگرسته شود؟ آیا رابطه‌ی دیگری بین تماشاگر و فیلم نمیتوان تصور کرد و این رابطه‌ی فعلی، تنها نسبتی است که بین فیلم و تماشاگر میتواند وجود پیدا کند؟ آوینی پاسخ این سوال را با نگرش دینی خود می‌دهد و می‌گوید: ما آموخته‌ایم که در تمامی مسائل مستحده، همواره دین و احکام آن را به مثابه مطلق حق بگیریم و شرایط جدید و مقتضیات زمان را حول این محور لایتبدل معنا کنیم و بنابراین، هرگز در برابر این سوال که چرا اخلاق را از بحث‌های ماهوی مربوط به سینما جدا نمیکند، دچار تردید نمی‌شویم. امروز بیش از هر زمان دیگر شاهد استفاده از بازی سینما از عوامل مبتذل جذابیت آفرین هستیم. عواملی که بیش از هر چیز دیگری بخش خفیف شخصیت وجودی انسان را نشانه گرفته. تا آنجا که کمتر اثر سینمایی را می‌توان یافت که از عنصر سکس عاری باشد و یا بهره‌ای از خشونت نبرده باشد. مضاف بر آنکه اغواگری جلوه‌های ویژه به خدمت صنعت سینما درآمده و انسان را غرق در تخیل، از

شاید بیشتر افراد، شهید سیدمرتضی آوینی را با مستند روایت فتح و صدای گرم و دلنشینش بر این مستند جنگی بشناسند، اما او علاوه بر مستندسازی در حوزه های جنگ و مسائل اجتماعی در زمینه نظریه پردازی سینما نیز یکی از افراد صاحب نظر بعد از انقلاب به شمار می رود. بخشی از دیدگاه های سینمایی او را می توان در مجموعه مقالاتش در مجله سوره و مهم تر از همه کتاب معروف «آینه جادو» جست و جو کرد. واقعیت این است که بعد از ۱۸ سال از شهادت او هنوز درباره آرا و اندیشه های سینمایی و هنریش کار منسجم و قابل قبولی انجام نشده است. آوینی از همان زمان، به سینما به عنوان چیزی فراتر از یک هنر ساده و وجودی دارای ابعاد گسترده می نگریست. از اینرو بی مناسبت نیست که با مروری بر آثار آن متفکر، اینک سیری داشته باشیم بر مبنای نظری اندیشه آوینی در حوزه سینما. اما قبل از هر سخن ذکر دو نکته قابل تامل است:

اول آنکه تمام آثار اندیشه ای آوینی به عنوان یک هنر مند انقلابی باید حول نظریه هنر متعهد تحلیل و بررسی شود آوینی کاملاً در نقطه مقابل هنر برای هنر قرار داشت و اینرو این نگاه آوینی بر هنر، بطور کامل در دیدگاه های او نسبت به سینما نیز متجلی است.

دوم آنکه اگر چه نگاه آوینی در بخشی از آثارش نگاهی فراتر از زمان خود بوده و ما هم بیشتر به همان محدوده نظر داریم لیکن نباید فراموش کرد که اکنون بیش از دو دهه از تاریخ شهادت وی می گذرد و در این سالها نه تنها شرایط زمانی جامعه ما تغییراتی را به خود دیده بلکه هنر سینما به مثابه یک هنر تکنولوژیک از توسعه یافتگی بالایی برخوردار شده است. اگر چه در روح و محتوای سینما در گذر سالها تغییری حادث نشده و ما هم بیشتر به همان روح و ماهیت سینما به عنوان یک جریان جاری نظر خواهیم داشت.

۱- سینما افسون فیلمساز برای مخاطب

آوینی با نگاهی ژرف به جایگاه سینما گر به عنوان خالق و مؤلفی قابل احترام معتقد است: در فیلم هیچ تصویری نمی تواند سهوا یا به طور تصادفی درمیان مجموعه‌ی تصاویر فیلم قرار بگیرد؛ این یک اصل کاملاً بدیهی است که انسان را به یک خصوصیت جامع درباره‌ی واقعیت سینمایی راهبر می‌شود. واقعیت سینمایی «مصنوع فیلمساز» است و با عنایت به پیام و محتوا و غایات و سرنوشت واحدی شکل گرفته‌اند که فیلم بدان منتهی خواهد شد و تکلیف نهایی را غایات فیلمساز تعیین می‌کند. او پا را فراتر می‌گذارد و معتقد است تماشاگر فاقد جایگاه اثر گذاری در این فرآیند است و می‌گوید: در فیلم جایی برای انتخاب تماشاگر وجود ندارد؛ فیلمساز به جای تماشاگر فکر و انتخاب کرده است و همه‌ی اشیاء و اشخاص و وقایع و حرکات در واقعیت سینمایی «نشانه‌ها» هستند که به غایات، مفاهیم و عواطف مورد نظر فیلمساز اشاره دارند. دخالت عوامل پیش‌بینی نشده را در کار، چه از سر ناشیگری باشد و چه از سر مهارت بسیار فیلمساز، نباید نقض کننده‌ی این معنا دانست. این نگاه اگر چه از یک منظر تا حدی واقع‌گرایانه افراطی محسوب می‌شود و اساساً تمام غایت سینمای غرب و بطور خاص هالیوود بر پایه اصالت همین دیدگاه است اما به نظر می‌رسد نمی‌توان تماشاگر را بطور کامل از گردونه فرآیند انتقال پیام حذف کرد. تماشاگر یا مخاطب فعال، امروزه به راحتی تحت تاثیر پیام فیلم قرار نمی‌گیرد بخصوص که از تقای سطح سواد رسانه ای جامعه می‌تواند به این امر کمک کند با اینحال اگر بپذیریم اکثر مخاطبین یک اثر سینمایی مخاطبین عام محسوب می‌شوند نمی‌توان این جایگاه فیلمساز و اثر گذاری بر مخاطب را به راحتی و آرا مانگرایانه نادیده انگاشت.



نبض دموکراسی! و تمدن!! در اینجا می زند.....!!!*

روح الله فاضل (کامپیوتر ۹۱)

جوانان این مملکت از طریق قدرت برتر رسانه ای خود (نظیر همین پایگاه اجتماعی فیسبوک) و با شعارهای جذابی چون آزادی و دموکراسی به کار می برد روا نیست که جوانان ما بدون توجه به تفاوت‌های بین دوست و دشمن در زمین دشمن و با قوانین و قواعد آنان بازی کنند و عامدانه یا غیر عامدانه با فعالیتها و اعمال خویش در صف سپاهیان آنها درآیند و علیه مملکت خود به جنگ و ستیز

قوانین تمام اعمال کاربران در فضای مجازی یا حتی فضای واقعی تحت کنترل و رصد می باشد. چه تعداد از اعضای محترم سایت می دانند که حتی پس از خروج از سایت تمام فعالیت‌های آنان به دلیل حذف نشدن کوکی های ردگیری فیسبوک، پیگیری و ردیابی می شود و تمام گزارشات لحظه به لحظه اقدامات آنها در اختیار سازمان جاسوسی آمریکا قرار می گیرد.

«بیش از ۱۱۰ سال است که یهودیان یکه تاز رسانه های دنیا هستند و آرام آرام رسانه های دنیا را به سمت صهیونیسم شدن پیش بردند... در حال حاضر جنگ رسانه ای یکی از جدیدترین تئوری های یهودیان برای سلطه بر جهان است و به راحتی در حال انجام آن هستند.»*

نمی دانم چه قدر با این جملات آشنایی دارید و آن را درک کرده اید اما این حقیقتی غیر قابل انکار است؛ یهودیان با ابزار رسانه به جنگ با هویت فردی و ملی و اعتقادات و باورهای اشخاص برخاسته اند و از این رهگذر سعی در تسلط و سیطره بر جهان واقع دارند. این که سالانه چند فیلم مستهجن و غیراخلاقی در هالیوود در جهت پیشبرد اهداف رذیلانه این جماعت با در اختیار داشتن اکثریت کمپانی های مطرح و مشهور فیلم سازی در هالیوود ساخته می شود یا اینکه چه تعداد از شبکه های ماهواره ای برای رسوخ در ذهن و جان مردم جهان در اختیار دارند یا در حوزه موسیقی چه دستاوردهای! عظیمی کسب کرده اند یا ... ، یا حتی چه مقدار در این راه و مسیر موفق بوده یا نبوده اند هیچ یک موضوع متن پیش رو نیست.

این متن قصد دارد تنها یکی از عرصه ها و میادین جنگ یهودیان را آن هم در فضای مجازی و سایبری بررسی کند. پایگاه اجتماعی جاسوسی - صهیونیستی فیسبوک که الحق به خوبی در حال اجرای مأموریت خود در این عرصه می باشد. هر چند اخیرا نگرانی هایی با روی گرداندن برخی کاربران از این شبکه برای مدیران آن به وجود آمده است (اصولا هر برنامه ای که قصد داشته باشد بر پایه ساده اندیشی برخی انسانهای ساده لوح به اجرا در بیاید نتیجه مطلوبی را برای برنامه ریزان آن رقم خواهد زد (البته برای شبکه اجتماعی فیسبوک با این تعداد کاربر و بازدید کننده کمی جفا به نظر می رسد که از کلمه برخی استفاده کنیم).

فیسبوک یکی از پردرآمدترین سرویسهای اینترنتی است و همانطور که می دانید ایجاد یک حساب کاربری و بهره مندی از خدمات اصلی آن کاملا رایگان صورت می گیرد. حال سؤال این است که این شبکه اجتماعی در این اوضاع آشفته اقتصادی دست به چه تجارت پر سود و منفعتی زده است که این چنین سودی را عاید مدیران آن کرده است؟ پاسخ را می توان در دو کلمه خلاصه



آیا اینکه دختر خامی بدون هیچ محدودیتی به قصد تحریک قوه جنسی پسران و جذب مخاطب بیشتر تصاویر نیمه عریان خود را با کمال افتخار در فیسبوک به اشتراک می گذارد (با تبعیت از قاعده "هر چه برهنه تر تمدن تر!") احساس می کند در آزادی کامل به سر می برد

برخیزند. مشکل اعظم جوانان ما در این دوران سخت کنونی، عدم وجود آگاهی و بصیرت در آنان است؛ و این طور می شود که قادر نیستند خودی را از غیر خودی تشخیص و تمیز دهند و این جهل آنها در تشخیص مرزبندی های بین دوست و دشمن آنها را در مسیری هدایت می کند که دلخواه و مطلوب دشمن است.

پاورقی

*البته این تیتیر در حالت کلی شاید کمی اغراق آمیز و مضحک به نظر برسد اما به خاطر باورها و تفکرات برخی

(شاید هم بیشتر!) از فیسبوک و امثالهم، وجود این تیتیر برای این موضوع تا حد زیادی مشروعیت پیدا می کند. پس

بیشتر از اینکه تیتیر مورد نظر مضحک باشد باید آن باورها را کودکانه و خنده آور بدانیم.

** استاد رائفی پور . دانشگاه شهید چمران اهواز . همایش «صهیونیسم و رسانه»

چه کسی می تواند انکار کند که گروه هایی خاص و جریان هایی هدفمند به قصد تخریب هویت فردی و ملی و متزلزل نمودن پایه های دینی افراد با نشر و القای مطالب شبهه ناک و مخرب با شعار آزادی بیان و اندیشه و با نیت و قصد قبلی در فیسبوک فعالیت می کنند. آیا اینکه دختر خامی بدون هیچ محدودیتی به قصد تحریک قوه جنسی پسران و جذب مخاطب بیشتر تصاویر نیمه عریان خود را با کمال افتخار در فیسبوک به اشتراک می گذارد (با تبعیت از قاعده «هر چه برهنه تر تمدن تر!») احساس می کند در آزادی کامل به سر می برد یا آقا پسری که هیچ مانعی روبروی خود برای انجام اعمال مورد نظرش (از قبیل قرار دادن تصاویر ناموس خود یا دیگران در صفحه فیس بوکش، بیان عقاید خود به صورت نقد منصفانه، نقد غیر منصفانه، فحش، ناسزا و...) نمی بیند تصور درستی از آزادی عمل و بیان در این سایت به اصطلاح دموکراتیک دارد؟ هرکس که در ذهن خود فیسبوک را مهد آزادی بیان و اندیشه و عمل می پندارد همین امروز به این توصیه عمل کرده و یک جمله علیه واقعه دروغین هولوکاست در صفحه اش قرار دهد تا آن هنگام آزادی مدنظر مدیران فیسبوک را با چشمان خود مشاهده و با تمام وجود حس نماید!

کلام آخر اینکه در این دوران جنگ نرم که دشمن تمام توان و نیروی خود را برای تهاجم به فرهنگ و عقاید و هویت

جالب این است که اکثر کاربران فیسبوک حتی نگاهی کوتاه به قوانین و مقرراتی که پیش از عضویت در سایت آنها را اجبارا پذیرفته اند نینداخته و نمی اندازند

نمود: دلالی اطلاعات. در واقع فیسبوک با قرار دادن تمامی اطلاعات خصوصی و شخصی افراد و حتی جزئیات لحظه به لحظه اقدامات آنها در اختیار سازمان جاسوسی آمریکا خود را به مانند آلت دستی برای سیا قرار داده است چنانچه معاون رئیس سازمان سیا در این مورد گفته است: «برای سیا این (فیسبوک) کاملا رؤیایی بود که به واقعیت پیوست.» آیا گمان می کنید این همه هزینه برای یک شبکه اجتماعی صرفا برای سرگرمی و تفریح یا احیانا در راه خدا! مصرف می شود؟ جالب این است که اکثر کاربران فیسبوک حتی نگاهی کوتاه به قوانین و مقرراتی که پیش از عضویت در سایت آنها اجبارا پذیرفته اند نینداخته و نمی اندازند؛ بر طبق این





امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی): به هیچ وجه ما در بن بست نیستیم؛ بلکه مشکلات هست؛ اما همه این مشکلات، کوچکتر از تصمیم و اراده و هدف‌ها و آرمانهای این ملت و کشور است. مثل میدان ورزش و مسابقات ورزشی. در میدان‌های مسابقات ورزشی خستگی هست، دلهره هم هست، اما شوق آفرین است. هیچ ورزشکاری از حضور در میدان مسابقه ورزشی امتناع نمی‌کند؛ بلکه با شوق می‌رود آنجا. این کار زحمت هم دارد- فشار جسمی، فشار عصبی- در عین حال ورزشکاران می‌روند. وضعیت ما اینجوری است.

اقتصاد مقاومتی، جنگ و فوتبال!

نوشتاری در جهت تحلیل و تبیین اقتصاد مقاومتی

اگرچه از زمانی که رهبر معظم انقلاب، امام خامنه‌ای، موضوع اقتصاد مقاومتی را در فضای کشور مطرح کرده‌اند بحث‌های زیادی در این رابطه شده است و بسیاری از افراد در مورد آن به صحبت و اظهار نظر پرداخته‌اند؛ اما شاید کم‌تر کسی باشد که جزئیات این مسأله را دقیقاً بداند. هنوز برای اکثر ما این پرسش مطرح می‌باشد که اقتصاد مقاومتی چیست و در چه حوزه‌هایی وارد خواهد شد؟ آیا واژه‌ی مقاومت به معنی رد کردن اصل مبادله و اصل ارتباط با سایر اقتصادهاست؟ آیا اقتصاد مقاومتی به معنی تولید همگی کالاها در داخل کشور و به صفر رساندن واردات است؟ آیا اقتصاد مقاومتی در شرایط تحریم به بهبود شرایط اقتصادی کشور کمک خواهد کرد؟ آیا اقتصاد مقاومتی با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت همخوانی دارد؟

در این نوشتار سعی می‌گردد که به طور مختصر به این سوال‌ها پرداخته شود. قبل از آن، لازم به یادآوری این نکته است که علم اقتصاد جزء علوم جدید بوده و در صد سال اخیر پیشرفت خود را حاصل کرده است. مدل‌سازی‌های اقتصادی، نظریه‌ها و مکاتب اقتصادی، همه در قرن اخیر به وجود آمده‌اند. جا دارد اندیشمندان حوزه و دانشگاه ما در زمینه‌ی اقتصاد به تحقیق و مطالعه پرداخته و اقتصادی را مطابق با مکتب اسلام به وجود آورند و مدل‌هایی مبتنی بر فرهنگ و سبک زندگی اسلامی- ایرانی برای اداره‌ی کشور ارائه دهند.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در آن با توجه شرایط نامتقارن، به چگونگی مدیریت امکانات محدود در جهت پیشرفت و توسعه و براساس مکتب اسلام ناب محمدی (ص) پرداخته می‌شود.

برای این که کلیت وضعیت‌های نامتقارن روشن شود، مثالی را بیان می‌کنیم. تیم فوتبالی را با نام «الف» در نظر بگیرید که از نظر مالی و امکانات باشگاهی با مشکلات فراوانی روبه‌روست. بازیکنان آن از روحیه‌ی مطلوبی برخوردار نیستند و جو نامیدی و شکست بر تیم حاکم است. این در حالی است که امروز با بهترین تیم لیگ، یعنی تیم «ب» بازی دارد. تیم مقابل از بهترین امکانات و بازیکنان برخوردار است. در بازی‌های گذشته‌ی خود بسیار موفق عمل کرده و اکثر بازی‌هایش را برده است. در چنین شرایطی آیا امکانی وجود دارد که تیم ضعیف بتواند تیم قوی را شکست دهد؟ آیا می‌توانیم راهی را پیشنهاد کنیم که به برد تیم «الف» بینجامد؟ اگر بخواهیم به عنوان کارشناس فوتبال به مسأله نگاه کنیم باید بگوییم در فوتبال پیش بینی امکان پذیر نیست و هر اتفاقی می‌تواند بیفتد، پس نباید عجولانه پیش‌بینی کرد. با توجه به این موضوع برای این که یک استراتژی برای برد به تیم «الف» پیشنهاد دهیم، ابتدا باید تمام نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی کنیم. سپس باید تمام نقاط قوت و ضعف تیم حریف را نیز به خوبی بشناسیم. بعد باید با توجه به امکانات محدود راه حلی را پیشنهاد نماییم که بتوان کنترل بازی را در دست گرفت و به پیروزی رسید. یعنی کاری کنیم که تیم «ب» مجبور به پیروی از سبک بازی تیم «الف» گردد.

شاید جالب باشد که بتوان شباهتی بین این بازی

فوتبال و جنگ پیدا کرد. در جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، در یک طرف ارتش تا دندان مسلح عراق و در طرف دیگر نیروهای مردمی و انقلابی، با دست خالی، حضور داشتند. چرا که در یک سال اول جنگ، با خیانت بنی‌صدر که جاسوس شماره‌دار سازمان سیا بود، انبارهای اسلحه به روی نیروهای مردمی بسته بود و ارتش هم با خیانت‌های وی که در جایگاه فرماندهی کل قوا قرار داشت، متحمل شکست‌هایی در مواجهه با متجاوزان شد. «کنت آر. تیمرمن» در کتاب «سوداگری مرگ» از بخشی از کمک‌های اطلاعاتی، مالی و نظامی دنیا به صدام پرده برمی‌دارد. در چنین شرایط نامتقارنی، تنها راه حل پیروزی جنگیدن نامتقارن است.

علم اقتصاد جزء علوم جدید بوده و در صد سال اخیر پیشرفت خود را حاصل کرده است. مدل‌سازی‌های اقتصادی، نظریه‌ها و مکاتب اقتصادی، همه در قرن اخیر به وجود آمده‌اند.

در آن زمان بزرگ‌ترین نقطه قوت ایران، نیروی انسانی و مردمی انبوه و باایمان و بااخلاص بود. بنابراین محور دفاع و اداره‌ی جنگ، بر پایه‌ی استفاده از این ظرفیت عظیم بنا نهاده شد و تمامی عملیات‌ها بر این اساس تنظیم گشت. این در حالی است که عراق در این زمینه ضعف فراوان داشت و با هیچ ترفندی، حتی جوخه‌ی مرگ، نتوانست این نقطه ضعف را برطرف کند. این وضعیت تا جایی پیش رفت که ایران پیروز نهایی جنگ شد و امروز هم دکترین جنگ نامتقارن که در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، در دانشگاه‌های نظامی دنیا تدریس می‌شود و به لبنان و فلسطین انتقال یافته، و دشمنان جان مستکبران و اشغالگران عالم شده است. با این توضیحات دوباره به زمینه‌ی اقتصاد برمی‌گردیم و با بررسی شرایط اقتصادی حاکم بر کشورمان، وجود شرایطی نامتقارن را مشاهده می‌کنیم. در حالی که اگرچه امروز دیگر در شرایط جنگ نیستیم، اما دشمنان اسلام و ایران که از جنگ رودررو ناامید شده‌اند، به فشارها و تحریم‌های اقتصادی روی آورده تا مانع پیشرفت ملت ایران گردند. امروز با تحریم‌های به وجود آمده، حتی امکان انتقال پول کالاهایی را که می‌فروشیم به داخل کشور نداریم. امکان خرید کالاهایی با فناوری‌های پیچیده را نداریم. از خرید داروهای مهم و حیاتی برای بیمارانمان محرومیم. در فروش نفت خود با مشکل مواجه هستیم و هزاران مشکل دیگر... این در حالی است که بزرگ‌ترین تحریم کننده‌ی ما، یعنی آمریکا، دارای پول جهان‌شمول، قدرت اقتصادی و صنعتی بالا، و تأثیرگذار در نهادهای مالی و اقتصادی دنیاست. در این وضعیت نامتقارن، باید دید آیا نقطه‌ی مثبتی در اقتصاد ما وجود دارد. آیا شانس دنبال کردن توسعه و پیشرفت اقتصادی را در چنین شرایطی داریم؟ برای یافتن پاسخ کافی است به منابع خود نگاه کنیم تا متوجه نعمت‌های بی‌شمار خداوند در اطرافمان گردیم. ما یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا هستیم. از نظر منابع نفتی در جایگاه چهارم و از نظر حجم ذخایر گاز طبیعی بعد از روسیه در جایگاه دوم دنیا قرار داریم. حتی اگر نفت و گاز را کنار بگذاریم و حساب نکنیم، از نظر ذخایر طبیعی و معدنی در بین ۱۵ کشور اول دنیا قرار داریم. از منظر دیگر به خاطر پیشینه‌ی عظیم تاریخی و به اصطلاح «چهارفصل بودن کشورمان»، ظرفیت عظیمی را در صنعت گردشگری داریم. هم‌چنین با داشتن فرهنگ غنی و متنوع ایرانی-اسلامی، می‌توانیم با عرضه‌ی آن به دنیا حرف‌هایمان را بر زمین و اسلام را به دنیا بشناسانیم.

علاوه بر این‌ها، تعداد زیادی نیروی ماهر و متخصص و جوان داریم که مهم‌ترین بخش تولید در اقتصاد هستند. قشری عظیم از نیروهای متخصص و تحصیل کرده در رشته‌های فنی و مهندسی که هر کدام می‌توانند با فراهم شدن شرایط به تولید دست بزنند و خودکفایی و استقلال را در زمینه‌های تحریم‌شده به ارمغان آورند.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که در آن با توجه شرایط نامتقارن، به چگونگی مدیریت امکانات محدود در جهت پیشرفت و توسعه و براساس مکتب اسلام ناب محمدی (ص) پرداخته می‌شود. الحاق که واژه‌ی «مقاومت» برای چنین اقتصادی شایسته است. چرا که اصل این نوع اقتصاد بر پایه‌ی مکتب اسلام است و در اسلام سلطه‌طلبی و هم‌چنین زبربارزور رفتن، هر دو با هم نهی شده‌اند. بنابراین اقتصادی که بر پایه‌ی ظلم و ستم و ناعدالتی و سلطه باشد، در چهارچوب اقتصاد مقاومتی نمی‌گنجد. هم‌چنین اقتصادی که قوانین آن از اقتصاد سرمایه‌داری غرب گرفته شده است نیز در این چهارچوب نمی‌گنجد. چرا که همان طور که گفتیم، باید با توجه به مکتب اسلام و امکانات و شرایط خود به تبیین و فرمول بندی قوانین اقتصاد مقاومتی پرداخت. همان طور که دکترین جنگ نامتقارن در جمهوری اسلامی ایران، پرورش داده شد و به بار نشست.

نکنه‌ی قابل توجه در این‌جا این است که اقتصاد مقاومتی مخالف اصل مبادله، افزایش رفاه و اصول اولیه‌ی علم اقتصاد نیست. علم اقتصاد نیز مانند سایر علوم دیگر، اصول و پایه‌هایی دارد که مثلاً برخی از آن‌ها به بررسی رفتار انسان و طبیعت می‌پردازد.

اگرچه امروز دیگر در شرایط جنگ نیستیم، اما دشمنان اسلام و ایران که از جنگ رودررو ناامید شده‌اند، به فشارها و تحریم‌های اقتصادی روی آورده تا مانع پیشرفت ملت ایران گردند.

به عنوان نمونه، اقتصاد مقاومتی با این موضوع که مبادله شرایط هر دو طرف را بهبود می‌بخشد مخالف نیست و اصل مبادله و یا اصل به حداکثر رساندن سود را نفی نمی‌کند. بلکه چون قوانین آن بر پایه‌ی مکتب اسلام و با در نظر گرفتن شرایط روز کشور نوشته شده‌اند، بسیار متعالی و به روز است، لکن برخلاف اقتصادهای غربی، هدفش رفاه مادی نیست. اقتصاد مقاومتی، هدفی بالاتر را دنبال می‌کند و رفاه و ثروت را وسیله‌ای برای انسان‌سازی و بندگی خدای یگانه قرار می‌دهد و در این راستا به ارائه راهکار می‌پردازد.

در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، جا دارد محققین، کارشناسان و دانشجویان در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، در این زمینه بسیار کار کنند و جزئیات اقتصاد مقاومتی را از کاندیداها مطالبه کنند تا به عنوان چهارچوب و راهکار برای اداره‌ی اقتصادی کشور در آینده به کار گرفته شود.

در این نوشته، سعی شد تا اندکی به چیستی اقتصاد مقاومتی و کلیات آن پرداخته شود. به امید خدا، در شماره‌های آتی به بیان جزئیات بیشتری پیرامون اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم و به تبیین ابعاد و کارایی‌های آن در شرایط کنونی کشور کوشش خواهیم کرد. در شماره بعدی قصد داریم تا کارایی اقتصاد مقاومتی را در شرایط تحریم بررسی کنیم و به این پرسش که آیا در چنین در شرایطی پیشرفت و رشد اقتصادی امکان پذیر است یا خیر، پاسخ دهیم.

ابوالفضل عباسی (مهندسی شیمی ۸۹)

انتخابات؛ مظهر حماسه سیاسی

نکاتی کوتاه و ضروری در رابطه با انتخابات پیش رو

محمد آزادی (عمران ۸۹)

براساس قانون می باید با رصد دقیق فعالیتها و هزینه کردهای انتخاباتی جلوی سوءاستفاده های احتمالی از امکانات عمومی و بیت المال را بگیرند. در یکی از آخرین موارد متأسفانه شاهد برگزاری همایشی تبلیغاتی با استفاده از بودجه ی بیت المال از سوی جریان موسوم به انحرافی در استان بودیم. همایشی که از مدت ها پیشتر مورد اعتراض گسترده ی روحانیون و علمای عظام واقع شده بود؛ دست آخر و با فشار یکی از معاونین رییس جمهور در مجتمع کوهسار برگزار شد. این همایش و سخنان متوهمانه ی آقای معاون در آن؛ اسباب انبساط خاطر حاضران و در نهایت تیتیر یک «صرفاً جهت اطلاع» این هفته شد. فعلاً البته در این مقال به دنبال معرفی کسانی در استان که علیرغم مخالفت گسترده ی علما بر برگزاری چنین نشستهای اصرار ورزیدند نیستیم، ولی صمیمانه امیدواریم دیگر شاهد چنین اتفاقاتی در پایتخت معنوی ایران و در سرزمین حضرت رضا نباشیم.

را دارند. هم چنان که امام راحل فرمودند: میزان رأی ملت است.

۳. مردم از بین همه ی کاندیدهای معرفی شده از سوی شورای محترم نگهبان که بر اساس قانون حائز صلاحیت های لازم برای احراز پست ریاست جمهوری هستند می باید بهترینشان را برای اداره ی مملکت برگزینند. این جاست که «انتخاب اصلح» معنا پیدا می کند. شرکت در انتخابات و از آن مهمتر انتخاب کاندیدای اصلح نه تنها یک «حق» بلکه تکلیف و وظیفه ی شرعی همه ی مردم است. معیارهای انتخاب کاندیدای اصلح به تدریج از جانب رهبر معظم انقلاب بیان خواهد شد، مثلاً ایشان فرمودند: کاندیدای ریاست جمهوری می باید سابقه ی اجرایی داشته باشد و یا در سخنرانی روز اول فروردین در حرم حضرت رضا (ع) فرمودند: «پنجاهم بدانند که آنچه ما برای رئیس جمهور آینده نیاز داریم، عبارت است از امتیازاتی که امروز وجود دارد، منهای ضعفهایی که وجود دارد.» و مسلماً تا روز انتخابات نیز معیارها و ملاک های دیگری را برای انتخاب اصلح برای مردم تبیین خواهند فرمود. ما هم در نشریه ی «آینه» به تدریج بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

۴. دانشجویان به عنوان قشر تحصیل کرده و روشن فکر جامعه نقش مهم و غیر قابل انکاری برای تحقق دو نکته ی پیش گفته _ یعنی حضور حداکثری مردم و انتخاب اصلح _ دارند. به تعبیر شهید بزرگوار دکتر بهشتی: دانشجویان مؤذن جامعه ست که اگر خواب بماند نماز مردم قضا می شود. فضای سیاسی و وجود شور و نشاط انتخاباتی در دانشگاه می تواند به این عامل کمک شایانی کند، و این نکته ایست که همیشه مورد تأیید و تأکید شخص نخست مملکت _ رهبر معظم انقلاب _ و سایر مسولین عالی رتبه ی نظام دارد. به هرحال امیدواریم برخی مسولین دانشگاه باصطلاح «کاسه ی داغ تر از آتش نباشند!»

جریان های سیاسی هم با درک صحیح این نکته همواره بدنبال نفوذ و تأثیر گذاری در بین دانشجویان و سوءاستفاده از این فضا بودند. دانشجویان می باید هوشیار باشند تا بازیچه ی جریانها و احزاب سیاسی نشوند؛ سیاسی بودن و تحلیل مسایل روز؛ غیر از بازیچه شدن است. و اصلاً همین نکته _ یعنی داشتن قدرت تحلیل _ می تواند آن هارا از این خطر حفظ کند. در این بین اما وظیفه ی تشکل های دانشجویی به عنوان نمایان اصل جنبش دانشجویی به مراتب سخت تر و حساس تر است؛ تجربه ی تلخ انجمن اسلامی (دفتر تحکیم وحدت) پیش روی ماست: تشکلی عمیق و ریشه دار؛ که روزگاری به عنوان قدیمی ترین تشکل دانشجویی شناخته می شد، بازیچه ی دست دولت های وقت و برخی جریانها و احزاب اصلاح طلب قرار گرفت و در نهایت موجب انحراف این تشکل ریشه دار از اهداف و آرمانهای خود و جداسدن نیروهای مومن و انقلابی متعهد از آن و پنهانده شدن برخی نیروهای بدنام آن به خارج از کشور (امثال اردشیر اطمینی و ...) شد. هرچند گفتنی ست انجمن فعلی در دانشگاه متشکل از عناصر مومن و انقلابی ست.

۵. تجربیات گذشته نشان می دهد هرچه پیش تر می رویم و به انتخابات نزدیک تر می شویم شاهد افزایش برخی تخلفات انتخاباتی مانند سوء استفاده از اموال عمومی و بیت المال برای تبلیغات خواهیم بود. دستگاه های نظارتی

انتخابات ریاست جمهوری را می توان مهم ترین روی داد سیاسی مملکت دانست که هر چهار سال یک بار رخ می دهد. حالا؛ این روزها و در فاصله ی کمتر از دوماه مانده به برگزاری انتخابات بحث های انتخاباتی و گمانه زنی ها پیرامون شخصیتها و نامزدهای انتخاباتی تقریباً به نقل اکثر مجالس و محافل سیاسی کشور تبدیل شده است. در این باره گفتنی هایی هست، بخوانید:

۱. انتخابات در کشور ما مظهر «حماسه ی سیاسی» و معیار و میزانی برای سنجش مقبولیت نظام و مظهر مردم سالاری دینی است. بدیهی ست مجرد این مسأله کافی ست تا اهمیت انتخابات ریاست جمهوری را روشن کند. اما شرایط و اقصانات زمانی باعث شده است تا انتخابات ریاست جمهوری یازدهم به اذعان اکثر کارشناسان مسایل سیاسی اهمیتی بیش از پیش پیدا کند. این اهمیت از دو جنبه قابل بررسی ست:

نخست از لحاظ بین المللی و در شرایطی که دشمنان این انقلاب و مردم طراحی های خطرناکی برای فاصله انداختن و دل سرد کردن مردم از نظام اسلامی انجام داده بودند؛ از یک سو تحریم های سنگین و



بی سابقه و به قول خودشان «فلج کننده» و از سوی دیگر فشارهای گسترده ی سیاسی و رسانه ای برای منزوی کردن نظام و انقلاب اسلامی. هرچند پیشتر و در راهپیمایی بیست و دو بهمن و با مشارکت گسترده ی مردم شکست خورده بودن طراحی های آن ها روشن شد، اما انتخابات می تواند معیار عددی و کمی غیرقابل انکار دیگری باشد برای اثبات این مدعا.

و دیگر از لحاظ ملی؛ انتخابات ریاست جمهوری یازدهم اولین انتخابات ریاست جمهوری پس از انتخابات سال هشتاد و هشت است؛ انتخابات مهمی که با حضور گسترده و مشارکت حداکثری مردم می توانست به مایه ی اقتدار مملکت بدل شود؛ که با فتنه گری و هم داستانی برخی عناصر فریب خورده و یا خودفروخته ی داخلی با اجانب به کام مردم تلخ شد.

همه ی این عوامل و ده ها دلیل ریز و درشت دیگر می تواند لزوم مشارکت حد اکثری و حضور گسترده ی مردم در انتخابات پیش رو را ثابت کند؛ نکته ای که به زعم رهبری عالیقدر در درجه ی اول و مهم ترین نکته در انتخابات پیش روست.

۲. فارغ از حضور گسترده ی همه ی مردم و همه ی سلاقی سیاسی متعهد به نظام و انقلاب در پای صندوق های رأی؛ نکته ی دیگری که حائز اهمیت است «تعیین کننده بودن» رأی مردم است. این انتخاب در حقیقت می تواند سرنوشت چهار ساله ی پیش روی مردم و مملکت را رقم بزند. در نظام اسلامی مردم برگزار کننده ی انتخابات هستند؛ هیأت های اجرایی و هیأت های نظارتی خود مردم و معتمدین و خوشنامان محل هستند. این موضوع از آن رو اهمیت پیدا می کند که برخی از دشمنان انقلاب و برخی از فریب خورده های داخلی (انشالله!) با طرح موضوعاتی هم چون «انتخابات آزاد» و یا «مهندسی» انتخابات سعی بر القای تردید و دودلی و انکار این حقیقت

سخن آخر...

سخن آخر را با کلامی از حضرت امام خامنه ای (دام ظلّه العالی) شروع می نمایم: «فعالیت سیاسی، برای پیدا شدن قدرت تحلیل در دانشجویان. این دانشجویان اگر قدرت تحلیل سیاسی نداشته باشند، فریب می خورد و فریب خوردن دانشجویان درد بزرگی است که تحملش خیلی سخت است. بالاخره اگر دانشجویان بخواهند قدرت تحلیل پیدا کنند، باید فعالیت سیاسی بکنند، باید سیاست را بخوانند، بنویسند، بگویند، مذاکره و مباحثه کنند. تا این کار نشود، دانشجویان توانایی پیدا نمی کنند.» (جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۷۷/۲/۲۲)

بی شک مهمترین رویداد سیاسی پیش روی کشور، انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری است؛ اهمیت انتخابات را در مطلبی در همین شماره پرداخته و بررسی نمودیم. حضور حداکثری دانشجویان ضروریست با بصیرت و آگاهی که موجب افزایش و ارتقا سطح بصیرتی در جامعه می شود. لازمه بصیرت، درست نگرستن به وقایع و دارا بودن قدرت تحلیل است.

یکی از اهداف و رویکردهای ما در نشریه آینه، ایجاد فضای بصیرت سیاسی بین دانشجویان است؛ بصیرتی روشنگر در برابر فتنه ها و آتش افروزی هایی که دشمنان این ملت و کشور در بزنگاه های مهم سیاسی مملکت نظیر انتخابات ریاست جمهوری به وجود خواهند آورد. **نشریه آینه در نظر دارد نظرات، انتقادات، پیشنهادات و تحلیل های شما مخاطبان را که به صورت پیامک یا یادداشت هایی کوتاه از طریق ایمیل در اختیار ما قرار می گیرد در بخشی از نشریه به چاپ برساند تا آئینه ای برای به تصویر کشیدن و منعکس نمودن نظرات شما دانشجویان محترم باشد.**